در محضر مقام معظّم رهبرى حضرت آية‏الله خامنه‏اى مدّ ظله العالى

خبر سرورآفرين‌ ديدار با رهبر فرزانهِ‌ انقلاب، موجي‌ از شادي‌ در ميان‌ دانش‌پژوهان‌ مركز تخصّصي‌ مهدويّت‌ آفريد و سرانجام، پس‌ از تلاش‌ فراوان، ‌مشتاقان توانستند در نشستي‌ خصوصي، پروانه‌وار بر گرد شمع‌ وجود نايب‌ مهدي‌ حلقه‌ بزنند و در فضايي‌ سرشار از شميم‌ عطر ديدار، با رهبرشان‌ بيعتي‌ دوباره‌ كنند.

‌فرصتي‌ مغتنم‌ بود كه‌ نسيم‌ وصالش، از خيلي‌ پيش‌ترها، مشتاقان‌ را طاقت‌ از كف‌ ربوده‌ بود.

‌وقتي‌ كه‌ آقا آمد شور و حالي‌ وصف‌ ناشدني‌ بود! كساني‌ كه‌ عطش‌ سال‌ها، رمق‌شان‌ را برده‌ بود، به‌ يكباره‌ خود را در كنار چشمه‌ جوشان‌ و زلال‌ و وادي‌ امن‌ و امان‌ مي‌ديدند. هيچ‌ زباني‌ را ياراي‌ گفتن‌ و هيچ‌ قلمي‌ را توان‌ نوشتن‌ نبود. سخني از نهان دل بر آمد: <نگين‌ كوثر در حلقهِ‌ مي‌ پرستان>! همين!

‌آنچه‌ در ادامه‌ مي‌آيد؛ سخنان‌ روح‌ بخش‌ رهبر معظّم‌ انقلاب، در خانوادهِ‌ يكصد نفري‌ بنياد فرهنگي‌ حضرت‌ مهدي‌ موعود(عج) و شعبه‌هاي‌ آموزشي، پژوهشي‌ و تبليغي‌ آن‌ با نام‌ <مركز تخصّصي‌ مهدويّت> در قم‌ و اصفهان‌ است.

‌پيش‌ از بيانات‌ رهبر معظّم‌ انقلاب، جناب‌ حجه‌الاسلام‌ والمسلمين‌ قرائتي‌ (بنيان‌گذار و رياست‌ هيئت‌ امناي‌ بنياد)، به‌ معرّفي‌ اعضاي‌ بنياد و مسئولان‌ مراكز تخصّصي‌ مهدويّت‌ و عملكرد چندين‌ سالهِ‌ اين‌ بنياد و دستاوردهاي‌ آن‌ در زمينه‌هاي‌ آموزشي، پژوهشي‌ و تبليغي‌ پرداخت.

‌آنجا كه‌ سخن‌ از آموزش‌ و پژوهش‌ و اشتغال‌ به‌ تحصيل‌ بيش‌ از يكصد نفر در مراكز تخصصي‌ و تصميم‌ به‌ ايجاد مراكزي‌ در ساير شهرستان‌ها و سرانجام‌ فصلنامهِ‌ انتظار شد، همه‌ شاهد بودند كه‌ لبخندي‌ به‌ نشانهِ‌ رضايت‌ بر چهرهِ‌ نايب‌ مهدي(عج) نشست‌ و همين‌ براي‌ پاسداشت‌ زحمات‌ چند سالهِ‌ همهِ‌ دست‌اندركاران‌ كافي‌ بود. اللهمّ و سُر نبيّكَ محمداً(ص) بروِ‌يته‌ واجعلنا من‌ خير اعوانه‌ و انصاره.

‌بسم‌ اللّه الرّحمن‌ الرّحيم.

خيلي‌ خوش‌ آمديد. عزيزان! اِن‌ شاء اللّه‌ كه‌ خداوند هم‌ شما و هم‌ اين‌ دوستانِ با همّتي‌ را كه‌ دامن‌ همّت‌ به‌ كمر زده‌اند و اين‌ كار را شروع‌ كرده‌اند، مشمول‌ لطف‌ و رحمت‌ خود قرار بدهد.

‌بحمداللّه‌ اين‌ كار، كار با بركتي‌ است‌ و معلوم‌ مي‌شود كه‌ در اين‌ سال‌هاي‌ كوتاه، پيگيري‌ خوبي‌ صورت‌ گرفته‌ است. ماشاء اللّه، همهِ‌ كارهاي‌ آقاي‌ قرائتي، با همّت‌ و پشتكار همراه‌ است. اِن‌شاء الله، خدا، به‌ ايشان‌ و نيز به‌ همهِ‌ دوستان‌ ديگري‌ كه‌ هر كدام‌ به‌ نحوي، گوشهِ‌ اين‌ كار را گرفته‌اند، كمك‌ كند.

O ژرف‌ بخشي، مهم‌ترين‌ وظيفه‌

‌برادران‌ عزيز! مسئلهِ‌ مهدويّت، مسئله‌اي‌ مهم‌ و اساسي‌ است. اثبات‌ مهدويّت، كار بسيار آساني‌ است. اثبات‌ اصل‌ مهدويّت‌ در يك‌ محفل‌ علمي‌ با مخاطباني‌ كه‌ اهل‌ علم‌ و اهل‌ تفكّر و استدلال‌اند، جزو آسان‌ترين‌ كارها است. در اين، هيچ‌ ترديدي‌ نيست. ايمان‌ و اعتقاد مردم‌ هم‌ خوب‌ است، منتها تعميق‌ اين‌ ايماني‌ كه‌ مردم‌ به‌ امام‌ زمان،(ارواحنا فداه‌ و عليه‌ الصلاه‌ و السلام)، دارند، كار بسيار ظريفي‌ است. بايد در اين‌ قضيّه، با شيوه‌هاي‌ هنرمندانهِ‌ تبليغي‌ وارد شد. به‌ نظر من، بخش‌ مهم‌ كار شما، اين‌ است. اگر اين‌ كار با موفقيّت‌ انجام‌ بگيرد و اگر شما بتوانيد اين‌ عشق‌ و محبت‌ و سوز و گدازي‌ را كه‌ مردم‌ ما به‌ طور طبيعي‌ نسبت‌ به‌ حضرت‌ دارند، در سطح‌ عموم‌ مردم، بخصوص‌ جوانان، با يك‌ نگاه‌ عالمانه‌ و آگاهانه‌ همراه‌ كنيد، بركات‌ اين‌ كار، لاتُعدّ و لاتُحصي خواهد شد.

‌نَف ‏سِ وجود اين‌ پشتوانهِ‌ عظيم، هر انساني‌ را چنان‌ مستحكم‌ مي‌كند كه‌ مي‌تواند در همهِ‌ ميدان‌هاي‌ دشوار، وارد شود.

O استحكام‌دروني، رمز پيروزي‌

‌اساس‌قضاياي‌دنيا هم‌همين‌است. در هر جايي‌كه‌شما مي‌بينيد ملّتي، جمعيّتي، جبهه‌اي‌پيروز شده، اساس‌اش‌همان‌استحكام‌دروني‌است. ظواهر، جسم، سلاح،... همه، ابزار و وسيله‌اند، مهم‌اين‌است‌كه‌آن‌كسي‌كه‌بايد اين‌ابزار را به‌كار ببرد، كيست. اگر او يك‌انسان‌با اراده، مصمم، آگاه، با روحيه‌باشد، پيروز مي‌شود. هر جا هم‌كه‌ملّت‌ها شكست‌خورده‌اند، به‌خاطر ضعف‌همين‌بخش‌از قضيّه‌است. لذا رسم‌قدرت‌مندان‌دنيا، از قديم‌اين‌بوده‌است. الان‌هم‌اين‌عربده‌كشي‌هاي‌امريكا را مي‌بينيد. طوري‌قضايا را تصوير مي‌كنند كه‌اين‌ملّت‌هاي‌منطقهِ‌خاورميانه‌تصوّر كنند كه‌ديگر هيچ‌چاره‌اي‌نيست:

در كف‌شير نر خون‌خواره‌اي‌

غير تسليم‌و رضا، كو چاره‌اي؟

‌يعني، دل‌او مي‌خواهد اين‌طور تصّور شود كه‌بالاخره‌يك‌شير نري‌هست، غافل‌از اين‌كه‌قضيّه‌اين‌طور نيست. اگر دندان‌و پنجه‌و يال‌و كوپال‌آنان، حقيقي‌و واقعي‌بود، لازم‌نبود اين‌همه‌خرج‌كنند، اين‌همه‌سياست‌كاري‌به‌خرج‌دهند، دغل‌بازي‌كنند و فريب‌دهند. پيدا است‌كه‌نمي‌توانند آن‌اهدافي‌را كه‌خودشان‌مي‌خواهند، دنبال‌كنند. يا بايد به‌خيانت‌طرف‌متكي‌شوند - مثل‌اين‌كه‌بالاخره‌معلوم‌شد كه‌سران‌رژيم‌عراق‌خيانت‌كردند - يا بايد به‌عدم‌همراهي‌و همكاري‌مردم‌و صاحبان‌ايمان‌متكي‌شوند كه‌در عراق‌هم‌همين‌اتّفاق‌افتاد و در افغانستان‌هم‌همين‌طور بود. اين‌كه‌امريكاييان‌آمدند و توانستند، نه‌چندان‌دشوار، يك‌فتح‌نظامي‌بكنند، به‌خاطر اين‌بود كه‌از اين‌ايمان‌ها و دل‌هاي‌محكم‌و از اين‌روحيه‌هاي‌پولادين، در مقابل‌شان‌نبود، والاّ آن‌جا كه‌در مقابل‌شان، [اين‌روحيهِ‌قوي] باشد، اين‌خبرها نيست. اين‌اعتقاد، درون‌انسان‌را اين‌طور مي‌سازد و افراد را اين‌طور مسلّح‌و مجهّز مي‌كند.

‌Oمهدويّت، ايده‌اي‌اميدزا

‌در هدف‌گيري‌و نشانه‌گرفتن‌براي‌دورخيزهاي‌تاريخي، باز مسئلهِ‌مهدويّت‌نقش‌دارد. ميان‌آن‌ملّتي‌كه‌براي‌خودش‌آينده‌اي‌نمي‌بيند و فكر مي‌كند كه: <بالاخره‌موج‌فساد، دنيا را روزبه‌روز بيش‌تر مي‌گيرد. ما هم‌چند صباحي‌محض‌تكليف، مقاومتي‌هم‌مي‌كنيم، امّا آخرش‌چه؟>، و آن‌ملّتي‌كه‌مي‌داند اين‌مقاومت، ايجاد يك‌گام‌بلند به‌سمت‌آن‌آينده‌اي‌است‌كه‌خداي‌متعال‌وعده‌داده‌كه‌براي‌بشريّت‌پيش‌مي‌آيد، آن‌هم‌نه‌يك‌وعدهِ‌مبهم‌بلكه‌يك‌وعدهِ‌روشن، فرق‌هست. رهبر آن‌ماجرا هم‌مشخّص‌است‌كه‌چه‌كسي‌است. او، حيّ و حاضر و زنده‌است، و دل‌او، متصل‌به‌ملا‌اعلا و غيب‌است. ملّتي‌كه‌به‌چنين‌چيزي‌اعتقاد دارد، ببينيد كه‌براي‌چه‌اهدافي‌دورخيز مي‌كند و چه‌طور همت‌اش‌بالا مي‌رود! اين‌عقيده، عقيدهِ‌بسيار مهمّي‌است، كما اين‌كه‌انسان‌خيال‌مي‌كند خداي‌متعال‌هم‌اين‌واقعيّت‌را با همين‌ تدبير ايجاد كرده‌كه‌انسان‌ها بتوانند با همت‌و ارادهِ‌خود و با اين‌پشت‌گرميِ محكم، راه‌ها را طيّ كنند تا اين‌كه‌ان‌شاء الله، آن‌بزرگوار بيايند و دنيا شروع‌شود.

O ظهور، آغاز تاريخ‌

‌من، بارها اين‌را گفته‌ام. بعضي‌خيال‌مي‌كنند، حضرت‌كه‌آمدند، آخر دنيا است! نه، تازه‌شروع‌دنيا و شروع‌تاريخ‌بشريّت، آن‌وقت‌است! اين‌مدّتي‌كه‌از عمر بشريّت‌گذشته، چند هزار سالي‌است‌كه‌بشر در اين‌سنگلاخ‌ها و در اين‌بيابان‌ها و كويرهاي‌وحشت‌ناك، همين‌طور سينه‌خيز و با زحمت‌رفته‌تا خودش‌را به‌جادهِ‌اتوبانِ وسيعِ عريضِ آسفالته‌برساند و از آن‌جا زندگي‌تاريخي‌خود را تازه‌شروع‌كند. آن‌جاده‌را حضرت‌افتتاح‌مي‌كنند. حركت‌تاريخي‌انسان، آن‌وقت‌است. آن‌وقت‌است‌كه‌استعدادهاي‌انسان‌ظهور خواهد كرد. هنوز اين‌دانشي‌كه‌بشر تا امروز پيدا كرده، در مقابل‌استعدادهايي‌كه‌خدا در وجود بشر گذاشته، صفر است. من، شايد يك‌وقتي‌گفته‌باشم‌و شما شنيده‌باشيد. دانشمنداني‌كه‌در اين‌رشته‌هاي‌علمي‌متخصّص‌اند و با همين‌واقعيت‌هاي‌واقعي‌و علمي‌سر و كار دارند، اين‌نظريه‌را داده‌اند و اين‌واقعيّت‌را كشف‌ كرده‌اند كه‌در وجود انسان، [توان‌هايي‌است‌كه‌هنوز استفاده‌نشده‌است.] اگر بشر بتواند پنجاه‌درصد از استعداد تمركز را مورد استفاده‌قرار دهد، تمام‌اين‌وسائل‌ارتباطي‌كه‌در دنيا هست، بيكاره‌و بيهوده‌مي‌شود! شما، الان، مثلاً با ماهواره‌يا با تلفن، از اين‌طرف‌دنيا با آن‌طرف‌دنيا تماس‌مي‌گيريد و با يكي‌حرف‌مي‌زنيد، امّا اگر آن‌پنجاه‌درصد از نيروي‌تمركزي‌كه‌در شما است، به‌كار بيفتد، مي‌توانيد با آن‌طرف‌دنيا، بدون‌اين‌ارتباطات، تماس‌بگيريد و با هر كسي‌كه‌مي‌خواهيد، در آن‌سوي‌كرهِ‌زمين‌حرف‌بزنيد، فكرتان‌را بگوييد، فكر او را تحويل‌بگيريد! اين، نيروي‌انسان‌است! ما، اين‌نيروها را كشف‌نكرده‌ايم! از اين‌قبيل‌نيروها در وجود بشر زياد است: <وفيك‌انطوي‌العالم‌الاكبر>. اين‌عالَم‌اكبر، آن‌روز بايد بروز پيدا كند، و روز ظهورش، آن‌وقت‌است، والاّ اگر حضرت‌آمدند و دنيا پُر از عدل‌و داد شد، ولي‌آن‌هنگام، آخر عمر بشر باشد و منتظر صوراسرافيل‌باشيم، اين‌كه‌كار نشد! بشر، چند هزار سال‌با اين‌زحمت‌زندگي‌كند، بعد حضرت‌بيايند و دنيا را پُر از عدل‌و داد كنند و بعد هم‌دنيا تمام‌شود! وقت‌ظهور حضرت، دنيا، تازه‌شروع‌مي‌شود! با آمدن‌حضرت، اوّلِ زندگي‌بشر، اوّل‌تاريخ‌انسان‌و اوّل‌رشد و تعالي‌جوامع‌بشري‌به‌صورت‌كلان‌- نه‌به‌صورت‌تك‌تك‌كه‌حالا داريم‌- تازه‌شروع‌خواهد شد.

‌خوب، ببينيد، اين‌آينده‌و چشم‌انداز زندگي‌جامعهِ‌اسلامي‌و به‌طور مشخّص، جامعهِ‌شيعي‌است‌كه‌مشخّصاً مي‌داند كه‌آن‌بزرگوار كيست، پدرش‌كيست، مادرش‌كيست‌و نشانه‌هاي‌ارتباط‌او را با خودش‌در موارد زيادي‌حس‌مي‌كند يا از ديگران‌مي‌شنود.

O لزوم‌تلاش‌هاي‌فراوان‌

‌اين‌مقوله، مقولهِ‌مهمّي‌است. دربارهِ‌اين‌مقوله، هر چه‌كار كنيد، به‌جا كرده‌ايد وخوب‌ است، منتها همان‌طور كه‌گفتيم، هنر بزرگ‌اين‌است‌كه‌بتوانيد اين‌مقوله‌را با زبان‌هنرمندانهِ‌اثر گذار، به‌ذهن‌مخاطبان‌جوان‌و دانا و آگاه‌منتقل‌كنيد تا اين، جزء وجودشان‌شود. آن‌وقت، تحوّل‌عظيمي‌در زندگي‌انسان‌ها به‌وجود خواهد آمد.

‌خداوند، توفيق‌تان‌بدهد و اِن‌شاء اللّه، بركات‌و توجّهات‌و نظر لطف‌و مرحمت‌آن‌بزرگوار، شامل‌حال‌همهِ‌شما، بخصوص‌دوستان‌و برادراني‌باشد كه‌مسئوليتّي‌قبول‌كرده‌اند و فعّاليت‌هاي‌ارزش‌مندي‌را انجام‌مي‌دهند.

‌والسّلام‌عليكم‌ورحمه‌اللّه.